

کتاب دانیال — نمبر اڑتیس

گوهرها آشکار می‌شوند: رؤیای نبوتی ویلیام میلر و احیای حقیقت

Jeff Pippenger

2024-01-02

در رؤیای میلر، صندوقچه‌ای به دست نامرئی برای او فرستاده شد. در رؤیای خود هدایت شد تا ابعاد آن صندوقچه را «شش مربع» در «ده اینچ» دریابد. ده ضرب در شش به توان دو برابر است با سیصد و شصت، که نمایانگر روزهای یک سال نبوی است. به میلر صندوقچه‌ای داده شد که پیامی را که باید اعلام می‌کرد در خود داشت، و پیامی که باید اعلام می‌کرد بر این اصل استوار بود که در نبوت کتاب مقدسی، یک روز نمایانگر یک سال است. آن صندوقچه همان کتاب مقدس بود، و برای میلر، کتاب مقدس می‌بایست در بعد اصل «یک روز به جای یک سال» در نبوت کتاب مقدسی نگریسته شود.

«در پیوند با کلام خدا، کلیدی وجود دارد که صندوقچه گران‌بها را برای رضایت و شادی ما می‌گشاید. من برای هر پرتو نور احساس سپاسگزاری می‌کنم. در آینده، تجربه‌هایی که اکنون برای ما بسیار رازآلود هستند، توضیح داده خواهند شد. برخی تجربه‌ها را شاید هرگز به طور کامل درک نکنیم تا آن‌گاه که این فانی، بقا را در بر کند.» Manuscript Releases, جلد 17، 261.

در رؤیای میلر، «کلیدی» به تابوت متصل بود که نمایانگر روشی بود که میلر هدایت شد تا به کار گیرد.

«آن‌ان که در اعلام پیام فرشته سوم مشغول‌اند، کتب مقدس را بر همان اساسی بررسی می‌کنند که پدر میلر اختیار کرده بود. پدر میلر در کتاب کوچک موسوم به Views of the Prophecies and Prophetic Chronology قواعد ساده، خردمندانه و مهم زیر را برای مطالعه و تفسیر کتاب مقدس ارائه می‌کند:—»

«[قواعد یک تا پنج نقل قول شده.]»

«آنچه در بالا آمد بخشی از این قواعد است؛ و ما همه در مطالعه کتاب مقدس نیکو خواهیم کرد اگر به اصولی که بیان شده‌اند توجه کنیم.» ریویو آند هرالده، 25 نوامبر 1884.

«Cuando Miller abrió el cofre, halló «toda clase y tamaño de joyas, diamantes, piedras preciosas, y monedas de oro y plata de toda dimensión y valor, hermosamente dispuestas cada una en su lugar dentro del cofre; y así dispuestas reflejaban una luz y una gloria igualadas solamente por el sol». Miller descubrió las joyas de las verdades que constituyen las verdades fundamentales del adventismo. Las verdades que halló estaban «dispuestas» en perfecto orden y reflejaban la luz del sol

پس میلر آن حقایق را «بر میز میانی» نهاد و همگان را فراخواند که «بیایید و ببینید». عبارت «بیایید و ببینید» نمادی است برگرفته از گشودن مهرها در کتاب مکاشفه، و میلر نمایانگر خردمندانی است که پیام دانیال را که در سال ۱۷۹۸ مهرگشایی شد، درمی‌یابند. حقایقی که میلر بر آن میز نهاد، همان حقایق مهرگشایی‌شده از کتاب دانیال بود که به وسیله شیر سبط یهودا مهرگشایی شده بود، و می‌بایست نسل زنده در هنگام مهرگشایی آن‌ها را بیازماید. از این‌رو، آن چهار حیوان مکاشفه که با چهار مهر نخست مرتبط‌اند، و نیز میلر، آن نسل را ندا دادند که «بیایید و ببینید».

اور میں نے دیکھا، جب برہ نے مہروں میں سے ایک مہر کھولی، تو میں نے گویا گرج کی سی آواز سنی، اور چار جانداروں میں سے ایک کو یہ کہتے سنا: آ اور دیکھ۔ اور میں نے دیکھا، اور کیا دیکھتا ہوں کہ ایک سفید گھوڑا ہے، اور اُس پر سوار کے پاس ایک کمان تھی؛ اور اُسے ایک تاج دیا گیا؛ اور وہ فتح کرتا ہوا اور فتح کرنے کے لیے نکل پڑا۔ اور جب اُس نے دوسری مہر کھولی، تو میں نے دوسرے جاندار کو یہ کہتے سنا: آ اور دیکھ۔ اور ایک اور گھوڑا نکلا جو سرخ تھا؛ اور اُس کے سوار کو یہ اختیار دیا گیا کہ زمین سے صلح اٹھا لے، اور لوگ ایک دوسرے کو قتل کریں؛ اور اُسے ایک بڑی تلوار دی گئی۔ اور جب اُس نے تیسری مہر کھولی، تو میں نے تیسرے جاندار کو یہ کہتے سنا: آ اور دیکھ۔ اور میں نے نگاہ کی، اور کیا دیکھتا ہوں کہ ایک کالا گھوڑا ہے؛ اور اُس کے سوار کے ہاتھ میں ترازو تھا۔ اور میں نے چار جانداروں کے درمیان سے ایک آواز یہ کہتے سنی: ایک دینار میں گیہوں کا ایک پیمانہ، اور ایک دینار میں جو کے تین پیمانے؛ اور دیکھ، تیل اور مے کو نقصان نہ پہنچانا۔ اور جب اُس نے چوتھی مہر کھولی، تو میں نے چوتھے جاندار کی آواز یہ کہتے سنی: آ اور دیکھ۔ اور میں نے دیکھا، اور کیا دیکھتا ہوں کہ ایک زرد گھوڑا ہے؛ اور اُس کے سوار کا نام موت تھا، اور عالم ارواح اُس کے پیچھے پیچھے تھا۔ اور انہیں زمین کے چوتھائی حصے پر اختیار دیا گیا کہ تلوار سے، اور کال سے، اور وبا سے، اور زمین کے درندوں کے وسیلہ سے ہلاک کریں۔ مکاشفہ 6:1-8۔

مسیح بود کہ در کتاب مکاشفہ، در ہیئت شیر سبط یھودا، آن کتاب مُہرشدہ بہ ہفت مُہر را گشود؛ و نیز همان شیر سبط یھودا بود کہ جواہراتی را کہ میلر بر میز نہادہ بود، از مہر گشود و سپس ہمگان را ندا داد کہ «بیابید و ببینید»۔

سچائیاں جو اُس نے دریافت کیں، 1843 کے ابتدائی پیش رو چارٹ پر نہایت واضح طور پر مصوّر کی گئی تھیں، جس کے بارے میں سسٹر وانٹ نے فرمایا کہ وہ خداوند کے ہاتھ کی ہدایت سے تیار کیا گیا تھا؛ اور وہی غیر مرئی ہاتھ تھا جس نے ملر کے پاس جواہرات سے بھرا ہوا صندوقچہ پہنچایا تھا۔ جو تین سو چارٹ 1842 میں تیار کیے گئے، وہ حقوق کے اُس حکم کی تکمیل تھے کہ رُپا کو لکھ اور اُسے لوحوں پر ایسا واضح کر دے۔ ملر کے کمرے کے وسط میں رکھی ہوئی اُس کی میز ان تین سو چارٹوں (لوحوں) کی نمائندگی کرتی تھی جنہیں میلرانیٹ پیغام بر 1842 اور 1843 میں دنیا کے پاس لے گئے۔ وہ چارٹ، 1850 کے ابتدائی پیش رو چارٹ کے ساتھ مل کر، حقوق باب دو کی "لوحیں" تھے۔

«این شہادت متحد واعضان و نشریات مچی ثانی بود، آنگاہ کہ بر "ایمان نخستین" ایستادہ بودند، کہ انتشار نمودار، تحقق حقوق ۲:۲، ۳ بود۔ اگر نمودار موضوع نبوت بود (و آنان کہ این را انکار می کنند، ایمان نخستین را ترک می گویند)، پس در پی آن، سال ۴۵۷ ق.م. سالی بود کہ باید مبدأ تاریخ گذاری ۲۳۰۰ روز قرار گیرد۔ ضروری بود کہ ۱۸۴۳ نخستین زمان منتشرشدہ باشد تا "رُپا" "درنگ کند"، یا آنکہ زمانی برای درنگ پدید آید، کہ در آن گروہ باکرگان می بایست بر موضوع عظیم زمان، درست پیش از آنکہ بہ وسیلہ فریاد نیمہ شب بیدار شوند، چرت زند و بہ خواب روند۔» جیمز وایت، Second Advent Review and Sabbath Herald، جلد ۱، شمارہ ۲۔

مردمی کہ شروع بہ پاسخ گفتن بہ پیامی کردند کہ از آن پس بر لوح حقوق نمایش دادہ شد، در آغاز اندک بودند؛ اما با تأیید اصل «ہر روز بہ جای یک سال» در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، آن مردم «بہ انبوهی از جمعیت افزایش یافتند»۔

«در همان زمانی کہ تعیین شدہ بود، ترکیہ، بہ وسیلہ سفیران خود، حمایت قدرت های متحد اروپا را پذیرفت، و بدین سان خود را تحت سلطہ ملت های مسیحی قرار داد۔ این رویداد دقیقاً پیشگویی را تحقق بخشید۔ ہنگامی کہ این امر معلوم شد، انبوهی از مردم بہ درستی اصول تفسیر نبوی کہ میلر و ہمکارانش اختیار کردہ بودند، متقاعد شدند، و شتابی شگفت انگیز بہ جنبش ظہور دادہ شد۔ مردان صاحب علم و موقعیت با میلر متحد شدند، ہم در موعظہ و ہم در انتشار دیدگاہ های او، و از 1840 تا 1844 این کار بہ سرعت گسترش یافت۔» The Great Controversy, 334, 335۔

سپس آن جماعت آغاز به آزار جواهرات کردند. در آن هنگام، میلر پراکنده شدن جواهرات را شناسایی خواهد کرد. واژه «پراکنده ساختن» یکی از نمادهای اصلی «هفت زمان» در لاویان بیست و شش است، و میلر در گزارش رؤیای خود ده بار از گونه‌ای از واژه «پراکنده ساختن» استفاده می‌کند. «ده» نماد آزمون است، و فهم درست معنای نمادین جواهرات «پراکنده شده» در رؤیای میلر را به منزله آزمون نبوی برای کسانی نشان می‌دهد که انتهای عالم‌ها بر ایشان رسیده است.

ردّ جواهر «هفت زمان» نخستین جواهری بود که ادونتیسمل لاودیکیه‌ای آن را کنار نهاد، آنگاه که ایشان در سال ۱۸۶۳ در آزمون «پراکنده سازی» موسی، که به وسیله ایلینا (میلر) ارائه شده بود، مردود شدند. از آن نقطه به بعد، جواهرات می‌بایست به‌طور فزاینده‌ای پراکنده شوند، با بدل‌ها درآمیزند، و سرانجام به کلی پوشانده گردند. پوشانده شدن جواهرات گران‌بها در نهایت به نقطه‌ای می‌رسید که در آن صندوقچه (کتاب مقدس) نابود می‌گردید.

در رؤیای میلر، تمایزی آشکار میان هفت بار نخست که میلر واژه «پراکنده» را به کار می‌برد و سه بار پایانی که این واژه را استعمال می‌کند، وجود دارد. پس از آن که او واژه «پراکنده» را «هفت بار» ذکر می‌کند، «به کلی مایوس و دلسرد شد، و نشست و گریست.»

پیش از آن که مسیح، که به صورت شیر سیط یهودا نمود یافته است، کار گشودن مهرهای کتابی را که در کتاب مکاشفه به هفت مهر مهر شده بود آغاز کند، یوحنا گریست. یوحنا و میلر هر دو گریستند هنگامی که دریافتند صندوقچه (کلام خدا) در زیر جواهرات قلبی مدفون شده است.

اور میں نے اُس کے دینے ہاتھ میں چو تخت پر بیٹھا تھا ایک کتاب دیکھی، جو اندر اور پشت پر لکھی ہوئی تھی اور سات مہروں سے مہر بند تھی۔ اور میں نے ایک زور آور فرشتہ کو بلند آواز سے منادی کرتے دیکھا کہ کون اس کتاب کو کھولنے اور اس کی مہریں توڑنے کے لائق ہے؟ اور نہ آسمان میں، نہ زمین پر، نہ زمین کے نیچے کوئی ایسا تھا جو اس کتاب کو کھول سکتا یا اس پر نظر ڈال سکتا۔ اور میں بہت رویا، اس لیے کہ کوئی ایسا نہ پایا گیا جو اس کتاب کو کھولنے اور پڑھنے، یا اس پر نظر ڈالنے کے لائق ہو۔ تب بزرگوں میں سے ایک نے مجھ سے کہا، مت رو؛ دیکھ، یہوداہ کے قبیلہ کا شیر، داؤد کی جڑ، غالب آیا ہے تاکہ کتاب کو کھولے اور اس کی ساتوں مہریں توڑے۔ مکاشفہ 5:1-5۔

هنگامی که ردّ فزاینده جواهراتی که میلر کشف کرد و به جهان عرضه نمود به جایی رسید که کتاب مقدس (صندوقچه) نابود شد، آنگاه میلر گریست.

"آنگاه دیدم که آنان در میان جواهرات و سکه‌های اصیل، مقدار بی‌شماری از جواهرات تقلبی و سکه‌های جعلی پراکنده بودند. از رفتار پست و ناسپاسی ایشان سخت به خشم آمدم و ایشان را به سبب آن توبیخ و سرزنش کردم؛ اما هرچه بیشتر توبیخشان می‌کردم، بیشتر جواهرات تقلبی و سکه‌های جعلی را در میان جواهرات و سکه‌های اصیل می‌پراکندند."

«سپس در نفس جسمانی خود اندوهگین و آزردہ شدم و آغاز کردم به کار بردن نیروی جسمانی تا آنان را از اتاق بیرون برانم؛ اما در همان حال که یکی را بیرون می‌راندم، سه تن دیگر وارد می‌شدند و خاک و براده و شن و هرگونه زباله و خاشاک را به درون می‌آوردند، تا آن که همه جواهرات حقیقی و الماس‌ها و سکه‌ها را پوشانیدند، به گونه‌ای که همگی از نظر پنهان شدند. همچنین صندوقچه‌ام را پاره‌پاره کردند و آن را در میان زباله‌ها پراکنده ساختند. پنداشتم که هیچ‌کس به اندوه یا خشم من اعتنا ندارد. به کلی مایوس و دل‌شکسته شدم و نشستم و گریستم.»

در این بخش از رؤیای او، واژه «پراکندن» «هفت بار» به کار رفته است. سه مورد آخر از هفت مورد نخست متمایزند، و بدین‌سان مهری نبوی بر هفت پراکندگی می‌نهند، به عنوان نمادی از «هفت زمان» در لاویان بیست و شش. رؤیای دوم میلر، همانند رؤیای دوم نبوکدنصر، «هفت زمان» را به گونه‌ای

نمادین مشخص می‌سازد.

همان‌گونه که دربارهٔ یوحنا در باب پنجم مکاشفه آمده است، هنگامی که میلر گریست، آن مرد گردگیر به دست (شیر سبط یهودا) سپس «دری را گشود» و به اتاق وارد شد. بازنمایی بصری پدر که کتابی را در دست داشت، مهرشده به هفت مهر، که هیچ‌کس قادر به گشودن آن نبود و موجب گریستن یوحنا شده بود، از آیه یک باب چهارم آغاز شد.

Después de esto miré, y he aquí, una puerta estaba abierta en el cielo; y la primera voz que oí, como de trompeta, hablaba conmigo, y decía: Sube acá, y yo te mostraré las cosas que han de suceder después de estas. Apocalipsis 4:1

के उत्तरदायित्व और हानि बिड़ी अपनी प्रकार इस मैं जब "देखा। हुआ खुला द्वार एक उसने और रोया मलिर वह किकी प्रार्थना से गम्भीरता मैंने और, हुआ स्मरण का परमेश्वर मुझे तब, था करता शोक और रोता कारण सब तब; गया कर प्रवेश में कमरे मनुष्य एक और, गया खुल द्वार तुरन्त भेजे। को किसी लिए के सहायता मेरी से कमरे और, लगा खोलने खड़कियाँ, हुए लिए ब्रश का झाड़ने धूल में हाथ अपने, वह और; गए नकिल से वहाँ लोग आए समय उस मनुष्य वह वाला झाड़ू-धूल और सहि का गोत्र के यहूदा" लगा। झाड़ने को करकट-कूड़ा और धूल है। प्रतीक का परिवर्तन व्यवस्थात्मक खुलना का द्वार एक खुला। द्वार एक और, रोए मलिर और यूहन्ना जब

با میلر، او گریست و دری گشوده شد، اما او نیز دعا کرد. «به‌کلی دلسرد و دل‌شکسته شدم، و نشستم و گریستم. در حالی که چنین برای فقدان عظیم و مسئولیت‌پذیری خود می‌گریستم و ماتم می‌گرفتم، خدا را به یاد آوردم و با جدیت دعا کردم که او برایم مدد بفرستد. بی‌درنگ در گشوده شد، و مردی به اتاق درآمد، آنگاه که همه مردم آن را ترک کرده بودند؛ و او، در حالی که جاروی دستی‌ای در دست داشت، پنجره‌ها را گشود و آغاز کرد به روبیدن خاک و خاشاک از اتاق.»

دعایی که نشانه‌ای راهبردی در تاریخ ایام آخر است، همان دعایی است که در باب دوم به‌وسیلهٔ دانیال و آن سه یار برجسته، و نیز در باب نهم به‌وسیلهٔ خود دانیال مشخص شده است. این، دعای لویان بیست‌وشش «هفت بار» است؛ همان دعایی که آن دو شاهد مکاشفه یازده باید آنگاه که درمی‌یابند پراکنده شده‌اند، به‌جا آورند. آن دو شاهد باید آنچه را دانیال در باب نهم انجام داد، تکرار کنند، هنگامی که او تشخیص داد که در تحقق لعنت موسی «پراکنده» شده است. آن دو شاهد باید آنچه را میلر در رؤیای خود به تصویر کشید تکرار کنند، آنگاه که به نقطه‌ای رسید که جواهراتش «هفت بار» پراکنده شده بودند.

چون آن دعا نشان نهاده شود، دری گشوده می‌شود، مرد جاروبِ خاک فرا می‌رسد، و اتاق خالی است. آن جماعتِ شریر رفته بودند، و تدبیری تازه فرا رسیده بود. آنگاه شیر سبط یهودا، که بادبزن او در دست اوست، «پنجره‌ها را گشود، و آغاز کرد به روبیدن خاک و زباله از اتاق»، و چون «خاک و زباله، جواهراتِ دروغین و سکه‌ی تقلبی را می‌روبید، همه برخاستند و همچون ابری از پنجره بیرون رفتند، و باد آنها را با خود برد.»

کھلی ہوئی کھڑکیاں بھی ایک تقسیم کی علامت ہیں، کیونکہ جس طرح کچرا کھڑکی کے راستے باہر نکالا جاتا ہے، اسی طرح وہ لوگ جنہوں نے ملاکی میں مذکور اس حکم کو پورا کیا ہے، جو آخری ایام کے "کابنوں" کو یہ ہدایت دیتا ہے کہ، "تمام عشرے بھنڈار میں لاؤ تاکہ میرے گھر میں خوراک ہو، اور اب اسی بات میں مجھے آزما کر دیکھو، رب الافواج فرماتا ہے، کہ کیا میں تمہارے لیے آسمان کی کھڑکیاں نہ کھول دوں گا، اور تم پر ایسی برکت نہ اُنڈیلوں گا کہ اسے سمیٹنے کی جگہ نہ رہے۔" کھلا ہوا دروازہ اور کھلی ہوئی کھڑکیاں دونوں ایک تدبیری دور کی تبدیلی کی نمائندگی کرتے ہیں، جو اُس وقت پوری ہوتی ہے جب شریر کابن ہٹا دیے جاتے ہیں اور راستباز کابن برکت پا رہے ہوتے ہیں۔

همچنان که مردِ جاروکن خاک آغاز می‌کند تا کفِ خود را پاک‌سازی کند، میلر برای لحظه‌ای چشمانش را می‌بندد. «در میان آن هیاهو، برای لحظه‌ای چشمانم را بستم؛ وقتی آن‌ها را گشودم، همه زباله‌ها از میان رفته بود. جواهراتِ گران‌بها، الماس‌ها، و سکه‌های طلا و نقره، به فراوانی در سراسر اتاق پراکنده افتاده بودند.» آنگاه گران‌بها و پست به‌طور کامل از یکدیگر جدا شده بودند.

پھر بڑا صندوقچہ میز پر رکھا گیا، اور بکھرے ہوئے جواہرات اس میں ڈال دیے گئے۔ "پھر اُس نے میز پر ایک صندوقچہ رکھا جو پہلے والے سے بہت بڑا اور نہایت زیادہ خوبصورت تھا، اور اُس نے جواہرات، پیروں اور سکوں کو مٹھی بھر بھر کر سمیٹا اور اس صندوقچے میں ڈال دیا، یہاں تک کہ ایک بھی باقی نہ رہا، اگرچہ بعض پیروں کا حجم سوئی کی نوک سے بھی بڑا نہ تھا۔" پھر ملر کی بنیادی سچائیاں نہ صرف بائبل بلکہ روح نبوت کے ساتھ بھی یکجا کی گئیں، اور وہ سچائیاں اپنی اصل حالت سے بھی زیادہ حسین اور زیادہ تابندہ ہو گئیں۔

چنان‌که رؤیای رود اولای را در پرتو پیامی که در سال 1798 گشوده شد ارزیابی می‌کنیم، باید دانست که برخی از آن حقایق به‌وسیله چارچوبی که به میلر داده شده بود محدود شده بودند. همچنین باید انتظار داشت که از این‌رو برخی از آن حقایق گسترده‌تر و زیباتر باشند، هرچند ممکن است بعضی از آن‌ها کوچک یا جزئی به نظر برسند.

बुलावा का" देखो और आओ "फरि; है जाता रखा मे संदूक बड़े एक उन्हें तब, है जाते कएि पुनर्स्थापति सत्य जब का गोत्र के यहूदा जो, है मैं ब्रश डर्ट जो (द्वारा मसीह परन्तु, नहीं द्वारा मलिर—है जाता दयिा फरि बार एक यीशु अनमुदरण अंतमि और, है हुआ अनमुदरण एक अभी-अभी क है कराता पहचान की बात इस यह ॥) है सहि बताती व्हाइट ससिटर जैसा अथवा, है होता पहले ठीक से होने बन्द के अवध-अनुग्रह जो, है प्रकाशन का मसीह है। होता चुका कर प्रवेश मैं ब्रश डर्ट जब, है

dentro del arca, pero mis ojos quedaron deslumbrados por la visión. Brillaban con 83» diez veces su gloria anterior. Yo pensé que habían sido restregadas en la arena por los pies de aquellas personas impías que las habían esparcido y hollado en el polvo. Estaban colocadas en hermoso orden dentro del arca, cada una en su lugar, sin señal visible de las manos del hombre que las había arrojado allí. Grité de puro gozo, y ese grito me despertó». Primeros Escritos, 83»

زمان تأخیر و نخستین نومیدی در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ فرارسید، و از ژوئیه ۲۰۲۳، شیر سیطِ یهودا در حال گشودن مهرهای پیامِ مکاشفه عیسی مسیح بوده است. این مهرگشایی شامل کتاب دانیال نیز می‌شود، و بررسیِ رؤیای میلر را در مقاله بعدی به پایان خواهیم رساند.

کارِ مردِ جاروبِ خاک در همکاری با «کاهنانِ حکیم» انجام می‌شود، و کارِ آن «کاهنان» که همان دو شاهدِ مکاشفه فصل یازدهم هستند، و نیز همان استخوان‌های مرده‌ای هستند که در حزقیال فصل سی‌وهفتم زنده شده‌اند، در خطوط دیگری از کلامِ خدا نیز به تصویر کشیده شده است. ما چندی از آن خطوط را به‌عنوان شاهدانِ دوم برای آنچه دربارهٔ رؤیای دوم ویلیام میلر تشخیص داده‌ایم، به کار خواهیم گرفت.

Escrituras nos han sido dadas para nuestro provecho, a fin de que recibamos 68» instrucción en justicia. Preciosos rayos de luz han sido oscurecidos por las nubes del error; pero Cristo está dispuesto a disipar las nieblas del error y de la superstición, y a revelarnos el resplandor de la gloria del Padre, de modo que digamos, como dijeron los discípulos: "¿No ardía nuestro corazón dentro de nosotros, mientras nos hablaba en el camino?"» Publishing Ministry, 68»

